

البيوت آرنولد

فنلاند يا

زندگى نامه ڇان سپيليوس آهنگساز فنلاندى

علی اصغر بهرام يكى



جمهوری اسلامی
جمهوری اسلامی

(جمهوری اسلامی ایران) (جمهوری اسلامی ایران)

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران (جمهوری اسلامی ایران) (جمهوری اسلامی ایران)
(جمهوری اسلامی ایران) (جمهوری اسلامی ایران) (جمهوری اسلامی ایران)

جمهوری اسلامی ایران (جمهوری اسلامی ایران) (جمهوری اسلامی ایران)

جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران (جمهوری اسلامی ایران)

جمهوری اسلامی ایران

پیشگفتار

در واپسین سال‌های قرن نوزدهم، جوانی در اتاقی واقع در شهری که در آن زمان به نام هلسينگفرس^۱ خوانده می‌شد نشسته بود. این جوان، که قرار بود سرگرم تحصیل در رشتۀ حقوق باشد، در آن لحظه‌ها می‌بایست به مطالعه یکی از کتاب‌های درسی اش می‌پرداخت. ولی واقعیت چنان بود که دربارهٔ موسیقی می‌اندیشید و رویاپروری می‌کرد. در گوش جانش، نغمه‌هایی را می‌شنید که بعدها در تارو پود بزرگ‌ترین سمفونی‌های مدرن گنجانده می‌شد. ژان سیلیوس جوان در آن زمان از سرنوشت خویش چیزی نمی‌دانست ولی از این نکته باخبر بود که فنلاند بایست آزاد می‌شد و این که روح فنلاند، دریاچه‌هایش، رودخانه‌هایش، ترانه‌های فولکلوری اش و حماسه عظیم کاله والا چیزهایی بودند که می‌خواست در موسیقی اش مصوّر و مجسم سازد. همچنان که سال‌ها سپری می‌گشت، کشورش نیرومند و آزاد شد، آثار موسیقی و آهنگ‌های پرداخته‌اش به شهرت رسید، چنان

شهرتی که امروزه هیچ‌کس در عظمت آن آثار تردید روان نمی‌دارد.
داستان فنلاند، شهامت و عزم و خصال مردمش، به شیوه‌ای
جدایی‌ناپذیر با داستان بزرگ‌ترین شهر وندش، زان سیبیلیوس آهنگساز
پیوستگی دارد، آهنگسازی که با آثار خویش، کشورش را به سراسر دنیا
شینساند.

اليوت آرنولد داستان این مرد و کشورش را با شوق و هیجان و با نثار احترامی عمیق به ساحت موسیقی سیبیلیوس توأم می‌سازد و شهامت آمیخته با عزم فنلاندی‌ها را بسی پاس می‌دارد. فنلاندیا فقط سرگذشت یک مرد نیست بلکه سرگذشت ملتی، را بیان می‌دارد.

تصاویر نفیس پرداخته لولیتا گراناها ان به شیوه‌ای عالی و مطلوب با روح کتاب الیوت آرنولد همخوانی دارد و حاصل قلم نویسنده و قلم مومی نقاش به صورت یکی از دلنشیں ترین زندگینامه‌های معاصر، می‌تواند خوانندگان را محظوظ سازد.

در پایان هر فصل نیز نویسنده کتاب، قطعه‌ای از منظمه حماسی کاله‌والا را که با مضمون آن فصل همخوانی دارد گنجانده و با این کار ذوق قابل تحسینی نشان داده است.

و سخنی چند درباره نویسنده کتاب

سخنی چند درباره نویسنده کتاب

ایلوت آرنولد، نویسنده این زندگینامه، هنوز دوران سی سالگی را می گذراند که همگام با انجام دادن مأموریت هایش در سمت خبرنگاری یکی از روزنامه های نیویورک، نگارش سه کتاب را به پایان رسانده بود. فنلاندیا چهارمین کتاب او به شمار می آمد که به صورت یک زندگینامه نوشته شده بود. این کتاب، حاصل و برآیند دو علاقه مربوط به یکدیگر است: علاقه عمیق وی به موسیقی سیلیوس و تحسین عمیق نویسنده نسبت به ملت فنلاند، و آنچه هم آن ملت در هنگام جنگ و هم در زمان صلح از خود نشان داده اند.

در جریان یکی از سفرهایش به اروپا، الیوت آرنولد فرصت آن را یافت که آمیخته با شوق یک زائر، سفری هم به فنلاند بگند و به دیدار خانهٔ ییلاقی سیبیلیوس واقع در خارج هلسینکی موفق شود. آن‌چه این نویسنده در طول سفر فنلاند دید، او را نسبت به مطالعه دربارهٔ تاریخ و مردم آن کشور بسی مشتاق‌تر ساخت و همچنین دریافت که موسیقی سیبیلیوس به چه میزان عمیقی، همانا نشان از موسیقی فنلاند، دریاچه‌هایش، تپه و ماهورهایش، رودخانه‌هایش و مردمانش دارد. در آن